

Examining the category of tolerance in Quranic and religious culture and its effect on the psychological peace of Islamic societies

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Seyed Mohsen Rezaei¹
Abdulreza Mazaheri^{2*}
Seyyede Fatemeh Hashemi³

How to cite this article

Seyed Mohsen Rezaei, Abdulreza Mazaheri, Seyyede Fatemeh Hashemi, Examining the category of tolerance in Quranic and religious culture and its effect on the psychological peace of Islamic societies, *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 7(4): 81-89.

1. PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Full Professor, Department of Philosophy and Religions, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author).

3. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: mazaheri711@yahoo.com

Article History

Received: 2022/11/11
Accepted: 2023/01/18

ABSTRACT

In many traditions and recommendations of Islam, the great importance of tolerance, tolerance, gentleness, forgiveness and anger in dealing with people and its psychological effects on the individual and social health of human beings have been emphasized. In fact, all the existing verses and narrations about God's pardon, forgiveness, forgiveness, and penitence, in a way, refer to God's tolerance and forbearance - that is, God's gentleness and ease, forgiveness and turning a blind eye - towards sinners and It means criminals. As the intercession of the afterlife, which is the greatest manifestation of God's forgiveness, speaks of this. About this issue, God says in verse 53 of Surah Zamar: "Say to my servants who have allowed extravagance and oppression on their souls, do not despair of God's mercy, indeed, God forgives all sins." Also, the verses and traditions related to God's double and increasing reward for the good deeds of the servants also indicate the same meaning. For example, it is mentioned in Surah An'am, verse 160: Whoever does a good deed, ten times will be meant for him, and if he does a bad deed, the same will be meant for him. Considering the importance of the issue of tolerance and the importance of being mentally determined in the face of certain issues, in the current research, which was written with a descriptive and analytical approach and using library sources, an attempt has been made to address this important issue, that is, tolerance and Its examples in Quranic and religious culture should be well explained. In order to achieve this goal, the literal and idiomatic meaning of tolerance is first mentioned with reference to the most reliable books, and then various examples of tolerance both in the Qur'an and in the thoughts of the Holy Prophet (PBUH) and Imam Ali (AS) have been stated and analyzed. . The most important achievements of this research is that both in the Holy Quran and in the biographies of the Holy Prophet (PBUH) and Imam Ali (PBUH), a social aspect of tolerance was given more attention, and this issue is considered as one of the main factors in maintaining favorable relations between people in the society and After that, the persistence and movement of society in the path of progress was introduced. Mentioning verses and hadiths relevant to this issue in the current research is a good confirmation of this.

Keywords: Holy Quran, Islamic culture, tolerance, tolerance. Mental relaxation.

بررسی مقولهی تساهل در فرهنگ قرآنی و دینی و

تاثیر آن بر آرامش روانی جوامع اسلامی

سید محسن رضایی

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

عبدالرضا مظاهری

استاد تمام، گروه فلسفه و ادیان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤل).

سیده فاطمه هاشمی

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

در روایات فراوان و توصیه های اسلام بر اهمیت بسیار زیاد تساهل و مدارا و نرم خویی و عفو و گذشت و کظم غیظ در برخورد با مردم و تاثیرات آن از نظر روانی بر سلامت فردی و اجتماعی بشر تأکید شده است. در واقع همه آیات و روایات موجود درباره عفو و بخشش و آمرزش و توبه پذیر بودن خدا، به گونه ای بر تسامح و تساهل خداوند - یعنی نرمش و آسان گیری و گذشت و چشم پوشی خدا - نسبت به گناه کاران و مجرمان دلالت دارد. چنان که شفاعت اخروی که بزرگترین جلوه مغفرت خداوند است از همین امر حکایت دارد. پیامون این موضوع خداوند در آیه ۵۳ سوره زمر می فرماید: «به بندگان من که بر نفس خویش اسراف و ستم روا داشته اند بگو از رحمت خدا نا امید نشوید، همانا که خداوند همه گناهان را می بخشد». همچنین آیات و روایات مربوط به پاداش مضاعف و فزاینده خدا نسبت به اعمال نیک بندگان نیز بر همین معنا دلالت دارد. به عنوان مثال، در سوره انعام آیه ۱۶۰ آمده است: هر کس کار نیکی انجام دهد برای او ده برابر منظور می شود و اگر کار بدی انجام دهد همان منظور می شود. با توجه به اهمیت مسئله تساهل و در برابر آن اهمیت داشتن قاطعیت از نظر روانی در برابر برخی مسائل، در پژوهش حاضر که با رهیافت توصیفی تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه ای به رشتهی تحریر در آمده، تلاش شده است تا این مسألهی مهم یعنی تساهل و مصادیق آن در فرهنگ قرآنی و دینی به خوبی تبیین گردد. برای رسیدن به این مقصود ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی تساهل با استناد به معتبرترین کتابها ذکر شده و پس از آن نیز مصادیق گوناگون تساهل هم در قرآن و هم در اندیشهی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع)، بیان و بررسی گردیده است. مهمترین دستاوردهای این پژوهش آن است که هم در قرآن کریم و هم در سیرهی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) جنبهی اجتماعی تساهل بیشتر مورد توجه بود و این مسأله به عنوان یکی از اصلیتترین عوامل حفظ روابط مطلوب میان افراد جامعه و به دنبال آن، پابرجایی و حرکت جامعه در مسیر پیشرفت معرفی گردید. ذکر آیات و احادیث متناسب با این موضوع در پژوهش حاضر، به خوبی مؤید این امر است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، فرهنگ اسلامی، تساهل، مدارا، آرامش روانی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۸

*نویسنده مسؤل: mazaheri711@yahoo.com

مقدمه

واژهی «تساهل» یکی از اصطلاحات بسیار بحثبرانگیزی است که در چند سال اخیر توجه شمار زیادی از افراد را به خود جلب کرده است. این مقوله در فرهنگ قرآنی و دینی ما مسلمانان از جایگاه و اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و به خاطر معانی و مصادیق متعددی که هر کس به نوبهی خود برای این واژه ذکر و معرفی میکند، جنجالهایی را در برخی از مجامع به دنبال داشته است. اشخاصی که به دنبال معنای دقیق و مدلولهای واقعی این واژه هستند همواره دیدگاههای مختلفی را دربارهی آن مطرح میکنند تا جایی که برخی از افرادی که قصد خدشه وارد کردن به مفاهیم دینی را دارند، در تلاش هستند که مسألهی تساهل که دین اسلام بسیار به آن پرداخته و پیروان خود را به آن فراخوانده است را به مسائلی مانند بیخیالی، کاهلی، ضعف، بیتفاوتی و سایر مفاهیم منفی از این قبیل ربط بدهند. اما اگر نیک بنگریم و به آیات و احادیثی که به این مقوله پرداخته اند اهتمام ورزیم، به خوبی متوجه میشویم که مقولهی «تساهل» از نظر عقلی امری کاملاً کارساز است و پایبندی به اجرای آن از نظر روانی در زمینههای مختلف میتواند به خوبی موجبات یک زندگی مسالمت آمیز و توأم با آرامش را فراهم سازد. همچنین باید این نکته را نیز یادآور شد که از آنجا که اسلام، دین سازش است پس هرگونه سازگاری بجا و شایسته و رفتار حاکی از محبت و گذشت را کاملاً قبول دارد و مردم را نیز به آن تشویق میکند. در قرآن کریم و برخی از روایات اسلامی به خوبی میتوانیم مصادیق بارز و برجستهای برای انواع مختلف تساهل پیدا کنیم و با بررسی دقیق و مستند آنها، راه را بر هر گونه شک و شبهه در این زمینه ببندیم. گاهی آسان گیری خداوند در احکام و مقررات دینی نیز نمونه روش تساهل دینی است. در قرآن کریم آمده است: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ؛ خداوند خواهان راحتی و آسانی برای شماست و خواهان سختی و دشواری برای شما نیست» (بقره/۱۸۵). و یا آمده است «مَا جَعَلَ عَلَيْكُم فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ؛ خداوند برای شما در دین سختی و دشواری قرار نداده است» (حج/۷۸). در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «لم يرسلني الله تعالى بالرهبانة ولكن بعثني بالحنيفية السهلة السمحة؛ خداوند متعال مرا به رهبانیت نفرستاد بلکه با شریعت ابراهیمی سهله و سمحه فرستاد» (۱). در این روایت دو واژه سمحه و سهله که هم ریشه با تسامح و تساهل اند به کار رفته است. از این آیات و روایات استفاده می شود که دین اسلام و شریعت پیامبر اسلام که مجموعه آموزه های خدا و پیامبر اسلام است براساس تسامح و

۴- مقاله‌ی «بررسی تطبیقی مفهوم تساهل و تسامح در اندیشه جان لاک و اندیشه‌های اسلامی مبتنی بر قرآن» از بهرام نصیری و محمد رضا حاجی اسماعیلی. در این مقاله نویسندگان پس از راستی-آزمایی تعریف‌ها و کارکردهای مربوط به دو مقوله‌ی مشترک تساهل و تسامح در اندیشه‌ی جان لاک و اندیشه‌ی اسلامی به این نتیجه رسیدند که تساهل در مکتب فکری اسلام بر پایه‌ی تعالیم قرآنی و در قالب مهرورزی به تمام مردم و نیز گفتگو و هم‌اندیشی و خوشرفتاری با آن‌ها میسر می‌شود.

همان‌گونه که مشخص شد در هیچ یک از پژوهش‌های مذکور نویسندگان به بررسی نمودهای مختلف مقوله‌ی تساهل در دین اسلام نپرداخته‌اند و این امر وجه تمایز مقاله‌ی حاضر و پژوهش‌های فوق است.

۳- معنای لغوی و اصطلاحی تساهل

«تساهل» در لغت از ریشه‌ی «سهل» به معنای آسانی گرفته شده و مصدر باب تفاعل است و با توجه به کاربرد باب تفاعل بر کار دوسویه باید گفت که «تساهل» بر آسان گرفتن دوسویه دلالت دارد» (۱). همچنین در دعا گفته می‌شود «سَهِّلَ اللهُ عَلَيْكَ الْأَمْرَ وَلَكَ» (۲) یعنی خداوند بر تو آسان بگیرد و کارت را راحت کند. در فرهنگ لغت‌های فارسی ذیل این واژه چنین آمده است «تساهل از ریشه‌ی «سهل» و به معنای آسان گرفتن، به نرمی رفتار کردن، سهل گرفتن بر یکدیگر و سهل‌انگاری است و با تسامح به معنای مدارا کردن، فروگذار نمودن و کوتاه آمدن با گذشت و بزرگواری مترادف می‌باشد» (۲). برخی دیگر عقیده دارند که تسامح یعنی «آزادی مخالف عقیدتی و سیاسی در اظهار عقیده و نیز پرهیز از خشونت غیر قانونی درباره‌ی خطاکار و اقدام به عفو اغماض در حد ممکن» (۳).

«نقطه‌ی مقابل تسامح و تسامح، خشونت است و در اصطلاح، عبارت است از هر گونه اقدام علیه دیگری که ایجاد ترس و یا ناراحتی نماید و یا دست کم مطلوب و خوشایند طرف مقابل نباشد. این اقدام می‌تواند شامل اقدام فیزیکی مانند ضرب و جرح و قتل و یا اقدام معنوی مانند تهدید و توهین و تحقیر و یا حتی ایستادگی کردن و کوتاه نیامدن از یک عقیده و یا رفتار در برابر دیگری گردد» (۴).

در این مجال باید یادآوری کرد که برخی از عناصر باید در تساهل مورد توجه قرار گیرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از «وجود اختلاف نظر و سلیقه‌های متنوع و متفاوت، ناخرسندی، آگاهی، توانایی» از این رو در مورد گروهی از مردم که با هم عقاید مشترک دارند و در عین حال بدون اختلاف با هم زندگی می‌کنند نمی‌توان گفت که تساهل دارند. در رابطه با ناخرسندی نیز باید گفت انسان در صورتی می‌تواند بگوید با دیگران تساهل دارد که از دیدگاه‌ها و کارهای دیگران ناخشنود باشد ولی با این وجود، با آن‌ها رفتار و برخورد مسالمت‌آمیز داشته باشد. در باب آگاهی نیز باید یادآور شد که تساهل با دیگران در صورتی معنا دارد و ارزشمند است که انسان به اعمال و رفتار آن‌ها آگاه باشد و گرنه در صورت عدم آگاهی به

تساهل مثبت بنا شده است. تسامح و تساهل اسلام در دعوت مردم به دین نیز دلالت بر تسامح و تساهل دینی دارد. در قرآن کریم خطاب به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمده است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ ای پیامبر! از راه حکمت و پندهای نیکو مردم را به راه پروردگارت دعوت کن، و با آنها به گونه‌ای که نیکوتر و پسندیده تر است مجادله نما» (نحل/۱۲۵).

ناگفته نماند که به خاطر شبهه‌ناک بودن بحث «تساهل» و برداشت‌های مختلف و گاه منفی از آن، ضرورت دارد که با استناد به آیات قرآن کریم و برخی از روایات اسلامی، به شفاف‌سازی این امر پرداخته شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است و پس از بررسی انواع مختلف تساهل در قرآن کریم و آموزه‌های دین اسلام، تلاش شده است تا پاسخ پرسش‌های ذیل تبیین گردد:

- ۱- نموده‌های مختلف تساهل در قرآن کریم کدامند؟
- ۲- مقوله‌ی تساهل در اندیشه‌ی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) چگونه تجلی یافته است؟
- ۳- کدام یک از انواع تساهل در قرآن کریم و دین اسلام بیشتر مورد تأکید است؟
- ۴- پیامدهای تساهل چگونه خود را در زندگی فردی و جمعی نشان می‌دهند؟

پیشینه تحقیق

در رابطه با پیشینه‌ی این تحقیق باید گفت که پس از کنکاش فراوان، پژوهش‌های زیر یافت شد که به ترتیب بررسی و مهم‌ترین دستاوردهای آن‌ها ذکر گردیده است.

۱- پایان نامه‌ی «بررسی مبانی نظری اندیشه تساهل سیاسی در غرب و نقد آن از دیدگاه اسلام» از رضا حامد که در سال ۱۳۷۸ از آن دفاع کرد. در این پژوهش نویسنده به خوانش‌های متعددی از تساهل در اسلام پرداخت، اما در روند کار خویش تعریف واحدی از این مسأله را مد نظر قرار نداد.

۲- مقاله‌ی «بررسی و مقایسه‌ی تساهل و تسامح اسلامی با تولرانس مسیحی» از محمد امیر عبیدی نیا و علیرضا مظفری و کمال روحانی، نویسندگان در این پژوهش چنین استنتاج کردند که تساهل در اسلام تفاوت‌های چشمگیری با تولرانس مسیحی دارد و مقوله‌ی تساهل نه به صورت عرضی بلکه به صورت ذاتی تفسیر می‌گردد.

۳- مقاله‌ی «مدارا در رفتار سیاسی و حاکمیت علوی» از ابراهیم برزگر و مصطفی بیات. مهم‌ترین نتیجه‌ی این مقاله آن است که مقوله‌ی تساهل در دین اسلام یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در ذیل اخلاقی و منش سیاسی تعریف و تبیین می‌گردد و به نوبه‌ی خود به سه دسته‌ی اخلاق سیاسی، رفتار سیاسی و قانون‌گذاری یا همان تشریح احکام قابل تقسیم است. همچنین تساهل محور اصلی حاکمیت و سیاست داخلی امام علی (ع) را تشکیل می‌دهد.

نشود، می‌توان جانب تساهل را رعایت کرد و حاکم جامعه‌ی اسلامی نیز تا این حد و مرز می‌تواند تساهل کند و دست از سخت‌گیری در مسائل مذکور بردارد.

۵ - پیشینه‌ی تساهل در اسلام

همانگونه که بر هیچ‌کس پوشیده نیست، اسلام دین رأفت و مهربانی و تساهل است و این مسأله در گفتار و رفتار پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) به خوبی نمود یافته و روایات و متون دینی و تاریخی به خوبی این مسأله را تأکید می‌کنند، اما اگر بخواهیم به صورت مستدل و مستند این موضوع را ثابت کنیم باید بگوییم که «سیر تاریخی اندیشه‌ی تساهل به زمان ظهور اسلام می‌رسد و هم زاد با تولد این آیین مقدس است؛ به طوری که آسان‌گیری در مقام مناظره، بحث و گفتگو و نیز در مقام عمل و رفتار در سیره‌ی پیامبر اکرم (ص) و در عصر ظهور پیشوایان معصوم و تربیت یافتگان مکتب اهل بیت (ع) جلوه‌گری خاصی داشته است. آیات بی‌شماری در کلام الهی وجود دارد که نوع برخورد و حدود برخورد پیامبر اسلام را با مسلمانان، اهل کتاب و اهل ذمه و کافران در موقعیت‌های مختلف را مشخص می‌کند و سیره‌ی پیامبر و ائمه براساس این کلام صورت می‌گیرد. سیره‌ی عملی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) و سفارش‌های بسیار آن‌ها، که در روایات بازتاب یافته، به مدارا و مهرورزی با دیگران، شاهد این سخن است. در جوامع اسلامی عده‌ای از دانشمندان مسلمان در اثر مطالعه‌ی آثار متفکران و دانشمندان غربی و یا به دلیل پیشرفت‌های روزافزون علمی و صنعتی و مادی جهان غرب، همان مبانی نظری اندیشه‌ی تساهل غربی را پسندیده‌اند و سعی دارند آموزه‌های دینی را به گونه‌ای تعریف کنند که مخالف تساهل غربی نباشد. چنین تفکراتی در باب تساهل در جوامع اسلامی و به طور اخص در ایران چندان قدمتی ندارد و تقریباً به اوایل دهه‌ی سی باز می‌گردد. اما عده‌ای دیگر از دانشمندان مسلمان با تأکید بر وجود حقیقت مطلق، مبنای تساهل را تعلیمات قرآنی می‌دانند که این تعلیمات اصالت و محوریت را به «الله» می‌دهد نه به انسان و انسانیت. از دیدگاه قرآن، خداوند حق اصالت دارد نه انسان. بر اساس این مبنا، اگر انسانیت بهره‌ای از اصالت دارد، به دلیل مطابقت آن با حق و حقیقت است و به همین جهت باورها و رفتارها و امیال همه‌ی افراد، به یک اندازه قابل احترام نیستند، بلکه میزان متابعت و مطابقت از حق، مقدار احترام و ارزش آن‌ها را تعیین می‌کند. حق و حقیقت، ملاک تساهل و تعیین‌کننده‌ی حدود آن است. مصداق کامل حق هم خدای متعال و دستورات اوست؛ انسان مرتبط با خدا هیچ‌گاه از اصالت خود دم نمی‌زند و انسان بریده از خدا، به دلیل فقدان معیار و منبع مشروعیت، اصالتی ندارد. این تفکر در جوامع اسلامی قدمتی به قدمت تاریخ اسلام دارد و با ظهور اسلام متولد شده است» (۸). از آنچه در سطور فوق بیان شد می‌توان چنین استنتاج کرد که هر کسی که بخواهد خاستگاه مقوله‌ی تساهل را در جایی غیر از گستره‌ی دین اسلام جستجو کند، نه تنها وقت خود را هدر

اقدامات و سخنان دیگران و عکس‌العمل نشان ندادن از روی بی‌خبری هرگز مصداق تساهل نیست و در نهایت پیرامون عنصر توانایی در بحث تساهل باید این نکته را گوشزد کرد که وقتی کسی از روی ناتوانی با دیگران مدارا و سازش می‌کند هرگز نمی‌تواند مدعی شود که این اقدام وی مصداق تساهل است.

۴ - حد و مرز تساهل در قرآن

حد و مرز تساهل در قرآن را می‌توان به دو محدوده‌ی خارجی و داخلی تقسیم کرد و منظور از داخلی و خارجی در این مجال همان محدوده‌ی خارج از دین و محدوده‌ی داخلی دین است. در رابطه با حد و مرز خارجی تساهل از نظر دین اسلام شاید بهترین کلام همان باشد که گفته شده است: «دلایل فراوانی وجود دارد مسیحیان عقیده داشتند، ظهور دین اسلام و گرایش مسلمانان به این دین یکی از مصداق بارز رهایی آن‌ها از زیر سلطه‌ی کلیسا است. حتی برخی از اهل ذمه هم در مسائل حکومتی، باب میل عامه‌ی مردم نبودند. این تسامحی که مسلمانان داشتند، علاوه بر اینکه باعث شد باب مناظره و همفکری در سرزمین‌های اسلامی باز شود، بلکه سبب گشت که اهل کتاب نیز با مسلمانان به همکاری در زمینه‌های مختلف بپردازند. دین اسلام به واکاوی و تفتیش عقاید نپرداخت و مسلمانان اختلافاتی که به وجود می‌آمد را البته جز در مواردی که ممکن بود سبب اختلاف گردد، در سایر موارد نوعی رحمت به شمار می‌آوردند و بدون اینکه با هم اختلاف و درگیری پیدا کنند کاملاً مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند» (۵).

«منظور از تساهل در حوزه‌ی درون دینی این است که دین اسلام تا چه اندازه با مذاهب و فرقه‌های دینی گوناگون سازش داشت که این مقوله خود از دو نظر می‌تواند مورد واکاوی قرار بگیرد؛ نخست از نظر شریعت و احکام فقهی و سپس از نظر احکام مربوط به عقیده و ایمان. تساهل در اسلام در وهله‌ی اول بر این اساس است که وضع قوانین بر پایه‌ی تساهل یا همان آسان گرفتن باشد به این صورت قوانین به گونه‌ای وضع شوند که همه بتوانند آن‌ها را اجرا کنند. همچنین اگر کسی بنا به هر دلیلی نتوانست یکی از احکام مربوط به نماز، روزه و ... را به جا آورد، یک راه حل آسان دیگری برای او وجود داشته باشد و به عبارتی از روی تساهل با وی برخورد شود؛ مثلاً در سفر نماز را شکسته بخواند یا روزه در سفر بر وی واجب نباشد و ...» (۶).

«اما از نظر احکام مربوط به عقیده و ایمان باید گفت که دین اسلام از نظر مسائل مربوط به ایمان و عقیده تا حدودی تساهل می‌کند اما در این زمینه به خوبی شرایط را سازماندهی می‌کند؛ به این صورت که «هرگز اصول خود را حذف نمی‌کند و از همین راستا همه‌ی مکاتب اسلامی تا زمانی که به اعمال و اندیشه‌هایشان به سمت ارتداد و خروج از دین نرود، با آن‌ها از روی تساهل رفتار می‌کند» (۷)؛ از این رو می‌توان گفت تا زمانی که اساس حکومت اسلامی و ارزش‌های عقیدتی و ایمانی حاکم بر آن دستخوش زوال و فراموشی

«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه: ۸)

ترجمه: خدا شما را از آنان که با شما در دین قتال و دشمنی نکرده و شما را از دیارتان بیرون ننمودند نهی نمی‌کند که با آنها نیکی کنید و به عدالت و انصاف رفتار نمایید، که خدا مردم با عدل و داد را بسیار دوست می‌دارد.

برای بررسی این آیه‌ی شریفه بهتر است که ابتدا شأن نزول آن ذکر گردد که در این رابطه گفته شده است «ابن عباس نقل نموده: قوم «خزاعه» و «بنو مدحج» را با حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم عهد و پیمان بود که هرگز قصد مسلمانان نکنند و دشمنان دین را یاری ندهند و ایشان بر عهد خود ثابت ورزیدند، قصد مسلمانان ننموده و دشمنان دین را حمایت نکردند؛ حق تعالی در باره ایشان فرمود» (۹).

در تفسیر آیه‌ی فوق نیز گفته شده است که «خداوند متعال برای تأکید حسن تأسی و اقتداء به حضرت ابراهیم و پیروان او در معادات با کفار و اشعار به آن که این از لوازم ایمان به خدا و روز جزا است خوبی این تبعیت را برای مسلمانان با قسم تکرار فرموده و تذکر داده که این تأسی نافع به حال خودتان است و خدا بی‌نیاز از خلق و افعال آنها می‌باشد و امید است در آیه‌ی نزدیکی که فتح مکه پیش آمد، کفار آن‌جا به شرف اسلام مشرف شوند و اقارب و ارحام شما از جمله‌ی آنها باشند و این عداوت مبدل به مودت گردد؛ چون خداوند قادر است و وعده‌ی نصرت به مسلمانان داده و البته از گناهان گذشته شما راجع به مودت با کفار به مقتضای مغفرت و رحمت خود خواهد گذشت، در صورتی که از کرده‌ی سابق پشیمان و عازم بر اداء و وظیفه‌ی خودتان در آتیه بوده باشید و ظاهراً بعد از این آیات مسلمانان تصور نموده باشند که باید با کفار معادات نمایند، اگر چه با مسلمانان معاهده نموده باشند بر ترک تعرض و بی‌طرف بودن؛ لذا خداوند فرموده کفاری که با شما مقاتلت و معاندت ننموده‌اند اگر به آنها احسانی کنید برای تألیف قلوبشان به اسلام و به عدالت با آنها سلوک نمایید مانعی ندارد، بلکه خوب است؛ چون خداوند نیکوکاران و عدالت‌شعاران را دوست دارد. آنچه ممنوع است مودت و دوستی و اعانت و مساعدت با کسانی است که کفار حربی هستند و سابقه سوء با شما دارند از قبیل مشرکین مکه که موالات و دوستی با آنها ظلم و تجاوز از حق و بی‌جا و بی‌مورد است و ظاهراً «أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ» بدل اشتمال است از «الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ» بدل است از «الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ» و حقیقت ظلم وضع شیء است در غیر موضع خود مانند وضع دوستی بجای دشمنی که بعضی از مسلمانان با مشرکین مکه می‌نمودند» (۱۰). همان‌گونه که پیداست تساهل با دشمنان نیز موجبات آرامش روانی را هم برای شخص و هم برای جامعه در پی دارد و تفسیر مذکور به خوبی به تبیین ارزش تساهل با دشمنان پرداخته است.

می‌دهد و هیچ نتیجه‌ای نمی‌گیرد، بلکه چه بسا پافشاری وی در یافتن خاستگاه دیگری غیر از دین اسلام، خود را به گمراهی بکشاند و غرق در حیرت و سرگردانی شود و در نهایت، نتیجه‌ای جز شقاوت ابدی نصیب وی نگردد.

۶ - مصادیق تساهل در قرآن

۶ - ۱ - دعوت پیامبر (ص) به تساهل در برخورد با مردم در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که در آنها به پیامبر اکرم (ص) توصیه شده است که در برخورد با مردم، با نرمی برخورد کن و از سخت‌گیری بر حذر باش. یکی از این آیات، در ذیل آمده است: «فَمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹).

ترجمه: به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [= مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن!

در این آیه‌ی شریفه به شخص اول جامع‌ی اسلامی یعنی پیامبر اکرم (ص) نیز این مسأله گوشزد شده و حتی از وی خواسته شده است که در کارها با مردم مشورت کند و این امر نشان دهنده‌ی ضرورت تساهل و نرمی در گفتار و رفتار با مردم است. همچنین بر این نکته نیز تأکید دارد که پیامبر باید به درک و عقل مردم اعتماد داشته باشد، به آنها احترام بگذارد و از خودرأی بودن بپرهیزد. همچنین لازم است که در تصمیم‌گیری‌های مختلف پیرامون مسائل مربوط به جامعه‌ی اسلامی نیز از مردم نظر بخواهد تا بتواند بهترین راهکار را برای رهایی از مشکلات و معضلات برگزیند و به نوعی مردم را در سرنوشت جامعه سهم سازد. بدیهی است که این نوع تساهل در رفتار با مردم سبب می‌شود که آنها نیز احترام بیشتری برای پیامبر اکرم (ص) و دین اسلام قائل باشند و با میل و رغبت بیشتری به دستورات اسلام عمل کنند. «در این آیه علاوه بر این که خداوند به نرم‌خویی پیامبر اعظم (ص) در برابر مردم به عنوان رمز موفقیت او اشاره کرده است، به پیامبر دستور می‌دهد از لغزش‌های مردم درگذرد، برای آنها طلب آموزش کند و در کارها با آنها مشورت نماید. همه این توصیه‌ها حکایت از لزوم تسامح و تساهل مثبت با مردم دارد.

۶ - ۲ - دعوت پیامبر (ص) به تساهل در برخورد با دشمن دین اسلام حتی در برخورد با دشمنان نیز پیران خود را به تساهل فراخوانده است و این امر به خوبی نشان دهنده‌ی لزوم پابندی به این اصل یعنی همان تساهل برای برقراری و پایداری روابط بین افراد در جامعه و حرکت آن به سوی رشد و تعالی است. آیه‌ی شریفه‌ی ذیل به خوبی بر این امر دلالت دارد:

۳-۶ - پایبندی به تساهل در آداب معاشرت

یکی دیگر از جنبه‌هایی که در قرآن کریم از باب تساهل مطرح شده است و به عبارت دیگر مؤمنان باید در رابطه با آن نیز مقوله‌ی تساهل را مد نظر داشته باشند، آداب معاشرت است.

خداوند در قرآن کریم به بسیاری از اصول اخلاقی در هنگام معاشرت با دیگران اشاره فرموده است که بارزترین آن‌ها عبارتند از: اجتناب از اختلاف، اجتناب از اذیت و موارد دیگری از این قبیل و در این راستا آیات متعددی را به این موضوعات اختصاص داده است. از جمله پیرامون اجتناب از اختلاف چنین آمده است:

«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران: ۱۰۳)

ترجمه: و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)] چنگ زیند، و پراکنده و گروه گروه نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن گاه که [پیش از بعثت پیامبر و نزول قرآن] با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دل‌های شما پیوند و الفت برقرار کرد، در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر شدید، و بر لب گودالی از آتش بودید، پس شما را از آن نجات داد؛ خدا این گونه، نشانه‌های [قدرت، لطف و رحمت] خود را برای شما روشن می‌سازد تا هدایت شوید.

«این آیه درباره دو طایفه اوس و خزرج نازل شده که صد سال در میان آن‌ها نزاع و کشمکش بوده و نسل بعد نسل در اوقات شب و روز میان آنها جدال و نزاع برقرار بود تا این که خداوند پیامبر اسلام را به ظهور رسانید و آنان، به دین اسلام گرویدند و از برکت آن، کینه و دشمنی از میان آنان رخت بریست و با هم برادر شدند» (۱۱).

پیرامون تفسیر این آیه چنین گفته شده است که «مشهور بین عامه و خاصه است که پیغمبر فرمود دو ریسمان بین شما و خدا کشیده شده است که یکسر آن دو در دست شما است و یک سر آن در دست خدا است و هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند و آن دو کتاب خدا و عترت من می‌باشند و نیز از روایات مشهوره بین فریقین است که پیغمبر فرمود امت حضرت موسی هفتاد و یک فرقه شدند بعد از او و امت حضرت عیسی هفتاد و دو فرقه و امت من هفتاد و سه فرقه خواهند شد یک فرقه‌ی آن‌ها در بهشت و بقیه‌ی فرق در جهنم خواهند بود و از این روایات و روایت مشهور و مسلم دیگر که پیغمبر فرمود مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است که هر کس متوسل به آن شد نجات یافت و هر کس تخلف از آن نمود غرق گشت، ثابت می‌شود که فرقه‌ی ناجیه شیعه‌ی دوازده امامی هستند؛ زیرا که آن‌ها همان افرادی هستند که بین کتاب و عترت جدایی نینداختند و متمسک به حبل ولایت و کتاب شدند و در کشتی نوح نشستند و از طوفان دنیا و آخرت نجات یافتند و تمام عترت طاهره

را به قدری احترام کردند که مورد طعن سایرین قرار گرفتند و بعضی گفته‌اند مراد نهی از مطلق تفرق و اختلاف کلمه و ترک الفت است و انصافاً این معنی هم بد نیست که در هر حال باید مسلمین از اتحاد با یکدیگر لاقبل در توحید و رسالت و معاد دست برندارند و هر وقت اختلاف موجب فتور و تزلزلی در این سه اصل اصیل شود با یکدیگر برادر و متحد باشند در دفع اعداء نهایت آنه که بهتر آن بود که همه متوجه به نقطه‌ی حق باشند حال که نشدند نباید ما هم لجاجت کنیم و اساس اسلام را به باد دهیم بلکه باید هر قدر ممکن است از این اصول محافظت کنیم و سکوت ائمه‌ی اطهار و اغماض از حق خودشان و آن همه تحمل مصائب و ناملایمات برای این مقصود بوده و مؤید این معنی است آن که فرموده و یاد کنید نعمت اسلام و امنیتی را چون بودید شما در زمان جاهلیت دشمنان یکدیگر پس خداوند به برکت دین اسلام تألیف قلوب شما را نمود پس صبح گردید در صورتی که نعمت الهی شامل حال شما شده بود و برادر و دوست و مهربان با یکدیگر شدید» (۱۰). پس از خوانش دقیق این تفسیر مشخص می‌گردد که مردم باید با یکدیگر بر اساس تساهل برخورد کنند و از اختلاف و تفرقه بپرهیزند و گرنه نتیجه‌ای جز تباهی و هلاکت در انتظار جامعه‌ی اسلامی نخواهد بود؛ چرا که یکی از دلایل اصلی از هم گسیختگی جوامع و ملت‌های مختلف در طول تاریخ، اختلاف نظرهایی بود که در نتیجه‌ی خودخواهی حاصل می‌گشت و به دنبال آن هر کس مایل بود که بر دیدگاه خود پافشاری کند و در نتیجه جنگ‌های متوالی و خونین و گاهی هم چندین ساله صورت می‌گرفت و به حکومت‌های ستمگر پایان می‌داد.

همچنین در رابطه با اجتناب از اذیت در یکی از آیات قرآن کریم چنین آمده است:

«قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَى» (بقره: ۲۶۳).

ترجمه: گفتاری پسندیده [در برابر تهیدستان] و عفو [ی کریمانه] نسبت به خشم و بد زبانی مستمندان [بهرتر از بخششی است که دنبالش آزاری باشد].

این آیه‌ی شریفه نیز ارتباط بسیار عمیقی با مسأله‌ی تساهل دارد و در تفسیر آن گفته شده است که «رد سؤال به زبان خوش و ملائم که بان عذرخواهی و دلجویی از سائل شود و همچنین عفو و اغماض از خطای او اگر در سؤال اصرار یا سوء ادبی نموده باشد بهتر است از عطایی که متعقب به آزار شود این معنی در صورتی است که مراد از مغفرت گذشت بنده باشد، در غیر این صورت گفتار خوش در رد سؤال و مغفرت الهی به سبب آن برای رد کننده بهتر است از صدقه متعقب به آزار و خداوند احتیاج به چنین صدقه ندارد و بی‌نیاز از آن است و با آن که چنین صدقه دهنده را باید عقوبت نماید چون حلیم است تعجیل در عقوبت نمی‌کند و شایسته است اگر کسی نمی‌خواهد احسان کند، لاقبل حلم نموده با سائل به خشونت رفتار ننماید».

برخورد نیکو با دیگران نیز یکی از مصادیق بارز تساهل است که به نوبه‌ی خود راه را بر آزار و اذیت می‌بندد و موجبات صلح و

السَّمِيعِ الْعَلِيمِ * وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي
أَيْدِكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ» (انفال: ۶۲ - ۶۱).

ترجمه: و اگر دشمنان به صلح و مسالمت تمایل داشتند تو نیز مایل به صلح باش و کار خود به خدا واگذار که خدا شنوا و داناست و اگر دشمنان به فکر فریب دادن تو باشند البته خدا تو را کفایت خواهد کرد، اوست که به نصرت خود و یاری مؤمنان تو را مؤید و منصور گردانید.

در همین راستا است که همه‌ی کسانی که ایمان آورده‌اند را به صلح و آرامش دعوت می‌کند و در قرآن کریم خطاب به آن‌ها می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً» (بقره: ۲۰۸).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در صلح و آشتی درآید. با تأمل در این آیه‌ی شریفه مشخص می‌گردد که خداوند به همه‌ی افرادی که ایمان آورده‌اند را به صلح و آرامش دعوت کرده و به نوعی آن‌ها را از جدال و اختلاف بر حذر داشته است و این امر یکی از نشانه‌های اهمیت مقوله‌ی تساهل است که بر همگانی بودن آن تأکید می‌کند.

۷ - مصادیق تساهل در روایات اسلامی
گذشته از آیات قرآن، مصادیق تساهل از روایات اسلامی نیز پیدا کرد که برخی از آن‌ها در ذیل آمده است:

۷ - ۱ - تساهل در رفتار پیامبر اکرم (ص)
اگر بخواهیم به زندگی پیامبر اکرم (ص) با محوریت مقوله‌ی تساهل نظری بیفکنیم باید به وارد متعددی اشاره کنیم از جمله اینکه «بزرگ‌ترین نمونه عفو و گذشت پیامبر اکرم (ص)، عفو عمومی مردم مکه پس از فتح مکه است؛ مردمی که بدترین برخوردها، زشت‌ترین توهین‌ها و خشن‌ترین جنگ‌ها را نسبت به پیامبر و یاران او روا داشتند، اما این‌ها موجب نگرید که پیامبر اکرم پس از پیروزی، در برخورد با آنها از مسیر رأفت اسلامی خارج شود». یکی دیگر از مواردی که دال بر مقوله‌ی تساهل و مدارا در زندگی پیامبر اکرم (ص) است، آن‌جا است که ایشان می‌فرمایند: «أَمِرْتُ بِمَدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمِرْتُ بِتَبْلِيغِ الرَّسَالَةِ» (۱۲).

ترجمه: همان‌طور که به تبلیغ رسالت مأمور شدم، به تساهل و مدارا کردن با مردم نیز مأمور شدم.

این کلام به خوبی نشان دهنده‌ی اهمیت بسیار بالایی است که تساهل از آن برخوردار است؛ زیرا تساهل با مردم هم‌ردیف با تبلیغ دین اسلام قرار گرفته است و مأموریت پیامبر اکرم (ص) در هر دو زمینه‌ی مذکور به یک اندازه اهمیت دارد.

در جای دیگری به نقل از امام صادق (ع) چنین آمده است که «جَاءَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ رَبُّكَ يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ دَارُ خَلْقِي» (۱۳).

ترجمه: جبرئیل علیه السلام نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای محمد پروردگارت سلام می‌رساند و می‌گوید: با مخلوقم مدارا کن.

آرامش و به تبع آن روابط مسالمت‌آمیز را در جامعه فراهم می‌آورد که در این آیه‌ی شریفه به آن پرداخته شده و به خوبی تبیین گردیده است.

۶ - ۴ - تساهل به هنگام فراخواندن به راه راست
در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که در آن‌ها به پیامبر دستور داده شده است که به هنگام دعوت مردم به دین الهی از خشونت و تندی بپرهیزد و با ملاحظت و سخن نیکو به آن‌ها هدایت بپردازد؛ به عنوان نمونه آیه‌ی شریفه‌ی ذیل بر صدق این سخن صحه می‌گذارد: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (نحل/۱۲۵)

ترجمه: (ای رسول ما خلق را) به حکمت (و برهان) و موعظه نیکو به راه خدایت دعوت کن و با بهترین طریق با اهل جدل مناظره کن (وظیفه‌ی تو بیش از این نیست) که البته خدای تو (عاقبت حال) کسانی را که از راه او گمراه شده و آنان را که هدایت یافته‌اند بهتر می‌داند.

«این آیه که در مقام بیان راه‌های دعوت مردم به دین خداست، به سه راه حکمت، اندرز نیکو و مجادله به بهترین روش اشاره کرده است. این امر نشان می‌دهد که در دین‌دار کردن مردم راه دیگری مانند زور و اجبار پذیرفته نیست. جالب این که موعظه را با قید «حسنه» و جدال را با قید «بالتی هی احسن» آورده است؛ یعنی برای دیندار کردن مردم هر نوع موعظه و مجادله، مورد تأیید نیست» (۴).

یکی دیگر از مصداق‌های این نوع از تساهل آن‌جا است که خداوند در رابطه با مسأله‌ی امر به معروف و نهی از منکر نیز پیامبر را به تساهل فرامی‌خواند. آیه‌ی شریفه‌ی زیر در این زمینه است:

«فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنَّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ» (شعراء: ۲۱۶)
ترجمه: اگر تو را نافرمانی کنند بگو: «من از آن‌چه شما انجام می‌دهید بیزارم».

با درنگ در این آیه‌ی شریفه مشخص می‌شود که خداوند متعال از پیامبر اکرم (ص) می‌خواهد که حتی در برابر سرکشی مردم و نافرمانی آن‌ها از دستورات دین نیز با تساهل برخورد کند و از هرگونه اقدام خشونت‌بار که چهره‌ی دین را نزد مردم مخدوش می‌کند و آن‌ها را از دین بیزار می‌سازد، بپرهیزد و فقط از طریق کلام نرم و به دور از خشم و تهدید، این سرکشی را به آن‌ها تذکر دهد.

۶ - ۵ - دعوت مسلمانان به تساهل با سایر مردم
این مسأله یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته و خداوند خطاب به پیامبر اکرم (ص) چنین فرموده است: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْتَحِ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ

ایشان در جای دیگری فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَعْثُرْ مَعْتَفًا وَلَكِنْ بَعَثَنِي مُعَلِّمًا وَمَيِّسِرًا» خداوند مرا مبعوث نکرد که با زور با مردم رفتار کنم بلکه برانگیخت تا معلم و آسان‌گیر برای آنها باشم» (۱۴)

ترجمه: خداوند عز و جل مرا سخت‌گیر نفرستاد، بلکه مرا آموزگار و آسان‌گیر فرستاد.

اگر در مطالب مذکور به خوبی دقت کنیم، می‌توانیم به وضوح به اهمیت بسیار بالای تساهل و تأکیدی که در دین اسلام بر روی این مسأله شده است، بی‌بریم. وقتی که خداوند به پیامبر خویش یادآوری می‌کند که باید بر مردم آسان بگیرد و از سخت‌گیری و خشونت به دور باشد، در نتیجه مشخص می‌شود که سایر مخلوقات نیز باید تساهل و نرم‌خویی را سرلوحه‌ی زندگی خویش قرار دهند تا از این طریق جامعه‌ی اسلامی پا بر جا بماند و با حفظ ملاحظت در رفتار و گفتار و به دنبال آن ایجاد وحدت در میان مردم، از خطر متلاشی شدن به دور بماند.

یکی دیگر از مصادیق بارز تساهل در سیره‌ی پیامبر اکرم (ص) آن‌جا است که امام علی (ع) را به مدارا و تساهل با خود دعوت نمودند و خطاب به ایشان فرمودند:

«يَا عَلِيُّ إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغَلْ فِيهِ بَرَقًا وَلَا تَبْغِضْ إِلَيَّ نَفْسَكَ عِبَادَةً رِيكًا فَإِنَّ الْمُنْتَبِغَ يَعْنِي الْمَفْرَطَ لَا ظَهْرًا أَبَقَى وَلَا أَرْضًا قَطَعَ فَأَعْمَلْ عَمَلًا مِنْ يَرْجُو أَنْ يَمُوتَ هَرِمًا وَاحِدًا حَذَرَ مَنْ يَتَخَوَّفُ أَنْ يَمُوتَ غَدًا» (۱۳).

ترجمه: «ای علی! همانا این دین متین و محکم است، در او با نرمی وارد شود، و عبادت پروردگارت را مبعوض خود مگردان؛ زیرا خسته‌کننده‌ی مرکوب - یعنی کسی که در راندن مرکوب زیاد روی کرده - نه مرکوب باقی گذاشته و نه مسافت پیموده، پس عمل کن مانند عمل کسی که امید دارد در پیروی بمیرد (یعنی مستحبات را با رفق و تأنی انجام ده و فکر کن تا پیروی راه دوریست، یا مقصود این است که با زیادی روزه و بیدار خوابی خود را لاغر و نحیف مکن) و پرهیز کن مانند کسی که می‌ترسد فردا بمیرد (یعنی نسبت به پرهیز از محرمات خیال کن فردا می‌میری و کوچک‌ترین آن‌ها را هم به خود اجازه مده و مگو وقت مردن توبه خواهم کرد)» (۱۵).

از این کلام رسول اکرم (ص) چنین برداشت می‌شود که آدمی باید با خودش نیز رفتاری همراه با تساهل داشته باشد و حتی در انجام عبادت‌های روزانه نیز بر خود سخت‌نگیرد و البته از این مسأله هم غافل نباشد که آخرتی در کار است و وی باید نتیجه‌ی اعمال خود را در عالم پس از مرگ ببیند؛ به همین دلیل در عین حال که دستورات دینی و عبادت‌های خود را با تساهل انجام می‌دهد، از آخرت خویش نیز غفلت نکند و به گونه‌ای عمل کند که به هنگام مرگ خیالش راحت باشد که هم در دنیا با آسایش و راحتی زندگی کرده است و هم در آخرت در آرامش ابدی خواهد بود و همچنین هم خداوند از اعمال وی خشنود است و هم بندگان خدا از وی کوچک‌ترین آسیب و گزندی ندیده‌اند.

۷ - ۲ - تساهل در رفتار امام علی (ع)

یکی از نمونه‌های تساهل در اندیشه‌ی امام علی (ع)، برخورد نرم و مسالمت‌آمیز امام جماعت است که امام علی (ع) به خوبی این مسأله را به مالک اشتر یادآوری کرده که وقتی به عنوان امام جماعت نماز می‌خواند باید چه رفتاری داشته باشد و در این راستا چنین فرموده است:

«وَإِذَا قُمْتَ فِي صَلَاتِكَ لِلنَّاسِ، فَلَا تَكُونَنَّ مُنْفَرًا وَلَا مُضِيْعًا، فَإِنَّ فِي النَّاسِ مِنْ بِيهِ الْعِلَّةُ وَ لَهٗ الْحَاجَةُ؛ وَقَدْ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حِينَ وَجَّهْتَنِي إِلَى الْيَمَنِ كَيْفَ أُصَلِّي بِهِمْ؟ فَقَالَ: صَلِّ بِهِمْ كَصَلَاةِ أَوْعَفِهِمْ وَ كُنْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» (نهج البلاغة/ نامه ۵۳).

ترجمه: هنگامی که نماز به جماعت می‌خوانی، نه با طولانی کردن نماز، مردم را بپراکن و نه آن که آن را تباه سازی، زیرا در میان مردم، بیمار یا صاحب حاجتی وجود دارد. آن‌گاه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مرا به یمن می‌فرستاد از او پرسیدم، با مردم چگونه نماز بخوانم فرمود: در حد توان ناتوانان نماز بگذار و بر مؤمنان مهربان باش.

از این توصیه‌ی امام علی (ع) می‌توان این نکته را به خوبی درک کرد که ایشان عقیده دارند حتی به هنگام عبادت کردن نیز نباید بر دیگران سخت‌گیری کرد تا مبدا مردم از دین اسلام و عبادت خداوند دلزده و به این ترتیب از راه راست نیز گریزان شوند. همین یک نمونه کافی است تا بتوانیم توجه ویژه و پایبندی امام علی (ع) به مقوله‌ی تساهل را به وضوح درک کنیم و توجه فراوان و دقیق این امام همام به تساهل را در سایر مسائل اجتماعی نیز تعمیم دهیم و ایشان را الگوی خویش قرار دهیم تا ما نیز بتوانیم در کوچک‌ترین اقدامات فردی و اجتماعی خود راه تساهل را در پیش بگیریم.

نتیجه‌گیری

هم‌زیستی مسالمت‌آمیز از مهم‌ترین آرمان‌های بشری است که در کنار تساهل می‌تواند به خوبی فراهم شود. تساهل و تسامح دارای تاثیرات بارزی در سلامت و آرامش روحی و جسمی افراد است. در واقع اسلام اصول صلح و مسالمت را بی‌ریزی نموده و از این طریق راه را برای زندگی مسالمت‌آمیز هموار ساخته است. صلح و صفا روح اسلام است. خداوند به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دستور می‌دهد اگر دشمنان تو از در مسالمت و آشتی با تو وارد شدند تو نیز از فرصت استفاده کن و به این درخواست پاسخ مثبت بده: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * وَ إِنْ يَرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ...» اگر دشمنان تو به جانب صلح گرایند تو نیز نسبت به صلح اظهار تمایل نما و بر خداوند توکل کن [نگران خیانت آنها نباش] و اگر قصد خدعه با تو را کردند خداوند برای تو کافی است» (انفال/ ۶۲-۶۱). این آیه نشان دهنده تساهل اسلام در هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با پیروان ادیان دیگر است.

5. Zarrin Koob, Abdul Hossein, (1372), *Step by Step to Meeting God*, 5th edition, Tehran: Scientific Publication.
6. Khalid, Amr, (1390), *Towards coexistence*, translated by: Ebrahim Saedi Roudi, Taibad" Vase Publishing House.
7. Ahmadian, Abdullah, (1384), *New Word*, Mahabad: Rahro Publishing.
8. Barzegar, Ebrahim and Mustafa Bayat, "Tolerance in political behavior and Alevi rule", *Islamic Revolution Approach scientific research quarterly*, 13th year, number 46, spring 2018, pp. 117-140.
9. Hosseini Shah Abdul Azimi, Hossein, (1363), *Tafsir Ezni Ashri*, Tehran: Miqat Publications.
10. Thaqfi Tehrani, Mohammad, (2018 AH), *Tafsir Rovani Javid*, Tehran: Burhan Publications, third edition.
11. Muhaqq, Mohammad Baqer, (2004), a sample of insights regarding the revelation of verses according to Sheikh Tusi and other private and public commentators, Tehran: Andisheh-e-Islami Publications.
12. Nahj al-Fasaha, (1379), with the thematic arrangement of Farhang Islamic Publishing House, fifth edition.
13. Kilini, Muhammad bin Yaqub, (Beta), *Al-Kafi*, 4th edition, Qom: Dar al-Kitab al-Islamiyyah.
14. Ibn Abd al-Barr, Abu Umaryusuf, (1421), *al-Astazkar*, (nine parts), research: Salem Muhammad Atta, Muhammad Ali Mouwad, Beirut: Dar al-Kutub al-Elamiya.
15. Mustafavi, Seyyed Javad, (1369), translated by Al-Kafi, Tehran: Islamic Science Book Store

پس از بررسی مقوله‌ی تساهل از نظر لغوی و اصطلاحی و نیز واکاوی آن در قرآن کریم و روایت‌های اسلامی اینگونه برداشت شد که قرآن کریم به صورت کاملاً گسترده و همه‌جانبه به این موضوع اهتمام داشته و مصادیق گوناگونی برای آن ذکر کرده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

دعوت پیامبر (ص) به تساهل در برخورد با مردم، دعوت پیامبر (ص) به تساهل در برخورد با دشمن، پابندی به تساهل در آداب معاشرت، تساهل به هنگام فراخواندن به راه راست، دعوت مسلمانان به تساهل با سایر مردم. همچنین در سیره‌ی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) نیز نمود بارز مسأله‌ی تساهل دیده می‌شود؛ به عنوان مثال آن زمان که پیامبر اکرم (ص) بعد از فتح مکه تمام مردم را مورد عفو و بخشش قرار دادند و از تمام بدی‌ها، گناهان و توهین‌هایی که آن‌ها مرتکب شده بودند، چشم‌پوشی کردند. همچنین ایشان در جای دیگری امام علی (ع) را به تساهل دعوت کردند و البته که امام علی (ع) نیز به این مسأله کاملاً پایبند بودند و در توصیه به مالک اشتر، وی را به سازش حتی به هنگام نماز جماعت خواندن نیز سفارش کردند.

پرواضح است که در فرهنگ قرآنی و دینی ما، تساهل در برخورد با دیگران بیش از تساهل فردی نمود دارد و آن‌گاه که مردم در ارتباط با هم جانب تساهل و سازش را مراعات کنند، هم به آرامش فردی می‌رسند و هم جامعه‌ای آرام و بدون دغدغه خواهند داشت و در چنین فضای مناسبی می‌توانند زندگی مسالمت‌آمیزی را تجربه کنند.

References

Holy Quran

Nahj al-Balagha

1. Kilini, Muhammad bin Yaqub, (1365), *Kafi*, Darul Kitab al-Islamiya, Qom, 4th edition, vol.5.
2. Moin, Mohammad, (1360), *Farhang Moin*, 4th edition, Tehran: Amirkabir Publications.
3. Aghajani Qanad, Mohammad Reza, (1387), the term definition of tolerance and tolerance from the perspective of Imam Ali (AS), Ilam: Ilam University Press.
4. Nikzad, Abbas, "Tolerance and Tolerance in the Teachings of the Great Prophet, may God's prayers and peace be upon him, and its differences with tolerance and tolerance in Liberalism", *Andisheh-e-Kareem Magazine*, Winter 2016, No. 9, pp. 122-93.